

قلمرو تواناییهای انسان

شناسایی قلمرو توانایی انسان مانند شناخت نهاد انسان و پیوند عالم و انسان دو راه دارد: «برهان عقلي کامل»؛ «دلیل نقلی معتبر».



شناسایی قلمرو توانایی انسان مانند شناخت نهاد انسان و پیوند عالم و انسان دو راه دارد: «برهان عقلي کامل»؛ «دلیل نقلی معتبر».

دلیل نقلی معتبر به وحی و الهام وابسته است و برهان عقلي به ضروریات، اولیات و بدیهیات متکی است. البته این برهان عقلي هم براساس *قَالَهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا* (1) کاشف از اراده الهی و *حِجَّتْ خَدَاسَتْ*، چنان که آن برهان نقلی را ذات اقدس الهی آموخته است. درباره قلمرو توانایی انسان به دو بحث استعمار و تسخیر می‌توان استدلال کرد.

1. استعمار: خداوند از انسان خواسته است که زمین را آباد کند: *هُوَ أَنْشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا* (2)؛ یعنی ذات اقدس الهی که بدن و طبیعت و غریزه انسان را از زمین رویانده و برآورده، چنان که ملکوت و فطرت و جان را از آن سوی طبیعت تنزل داده: *وَتَقَخْتُ فِيهِ مِن رُّوحِي* (3) از او خواسته است که زمین را آباد کند. *171#&؛ در کلمه 171#&؛ استعمار*؛ نشانگر طلب الهی

است نظیر استجابت؛ یعنی خدای سبحان آبادانی زمین را حتماً از شما خواسته است. کلمه *171#&؛ استعمار*؛ از پربركت‌ترین واژه‌های دینی است که متأسفانه ظلم فراوانی در حق آن شده و در شمار منحوس‌ترین کلمات قرار گرفته است. تفصیل این معنی در همین کتاب خواهد آمد. (4)

استعمار حق و صحیح قرآنی، این است که خدای سبحان قبلاً سپهر و زمین و وسیله آسمانی و زمینی را فراهم کرده و سپس مهمان (انسان) را آفریده و همه امکانات را به او داده و از او خواسته است زمین را برای خود آباد کند و آزاد و مستقل باشد؛ نه سلطه‌پذیر باشد و نه سلطه‌گر: *لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ*. (5) آنجا که مستعمر، خداست و مستعمر، جامعه بشریت، استعمار حق است. در مقابل، استعمار باطل است که امروزه در جهان هست و آنچه طاغیان عصر داشته و دارند، تخریب و بردگی است؛ گویا عدل و ظلم را جابه‌جا کرده‌اند.

خدای سبحان خواسته است که انسان زمین را آباد کند، پس توانایی انسان این است که زمین را *171#&؛ بیت معمور*؛ کند، همان‌گونه که فرشتگان، آسمان را *171#&؛ بیت معمور*؛ کرده‌اند. آبادانی ویژه مسجد: *إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسْجِدَ اللَّهِ مَن ءَامَنَ* (6) یا مجامع علمی، حوزه‌ها و دانشگاه‌ها: *171#&؛ و بالإیمان يعمر العلم* (7)؛ نیست بلکه زمین هم آبادانی می‌خواهد و برپایه همین بیان نورانی حضرت علی (علیه‌السلام) که مؤمن مراکز علمی را آباد می‌کند، زمین را هم اهل ایمان آباد می‌نمایند، چنان که مسجد را: *إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسْجِدَ اللَّهِ مَن ءَامَنَ بِاللَّهِ*. (8)

تعمیر زمین، کار توصی‌ی دینی است و نه تعبدی، لذا در اصل تحقق آن قصد قربت لازم نیست. نیز شاید کسی مؤمن به خداوند نباشد و بخشی از زمین را که در قلمرو حکومت اوست آباد کند؛ لیکن بر اثر آفرین خواهی که در غیر اهل ایمان رایج است، خوی تهاجم به سرزمین دیگران، او را به تخریب و اهلاک حرث و نسل وادارد.

2. تسخیر: ذات اقدس الهی توانایی انسان را به زمین محدود نکرده و از عمق دریاها تا اوج سپهر را مسخر او کرده است: اقیانوسها و دریاها ی کوچک و بزرگ مسخر انسان است تا هم کشتیرانی کند: *اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمُ الْبَحْرَ لِيَتَّجِرَ فِيهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْتُمْ صَايِدُونَ* و *هُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا* (10) و هم گوهرهای دریایی را استخراج کند: *وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حَبْلًا مِّنْ تَلْسُونِهَا*. (11) نه تنها تا عمق دریاها که تا اوج سپهر هم مسخر انسان است: *سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ* (12)

تسخیر دو قسم است: 1. خداوند مستقیماً جهان را به سود انسان اداره می‌کند تا جهان با نظامی صحیح بگردد: *وَسَخَّرَ لَكُمْ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبَيْنِ*. (13) چنین نیست که بشر بتواند مسیر ماه و خورشید را برگرداند، مگر به اذن و اراده الهی. مسیر سپهر و آسمانها و کهکشانشان نیز چنین است و اینها را خود خداوند به سود بشر تسخیر کرده است.

2. حضرت حق به خود انسان قدرت داده است، چنان که زمین را ذلول و نرم قرار داد تا هرگونه بهره‌برداری از آن برای انسان آسان باشد: *هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذَلُولًا* (14)، پس بشر در حیطه فردی و جمعی، آن قدر توان دارد که از عمق اقیانوس تا اوج سپهر را بررسی کند و آثار علمی و عملی به دست آورد و با آنها تعامل متقابل کند؛ ولی نمی‌تواند طبیعت را از مدار خود خارج کند، مگر به اجازه خدا.

تسخیر، صرف مورد انتفاع واقع شدن چیزی نیست، بلکه تصرف در آن و رام کردن و در اختیار قراردادن تا حدّ قدرت نیز هست، چنان که درباره تسخیر کشتی و چهارپایان و سوار شدن بر آنها می‌فرماید: *لِيَسْتَوُوا عَلَي ظُهُورِهِمْ تَذَكَّرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَتَقُولُوا سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ*. (15) تسلط بر دریا با کشتی و اقتدار بر اسبها و چهارپایان وحشی دیگر که بی‌تسخیر الهی هیچ يك ممکن نبود، از سنخ تسخیر الهی است.

- 1.سوره شمس، آیه 8.
 - 2.سوره هود، آیه 61.
 - 3.سوره ص، آیه 72؛ سوره حجر، آیه 29.
 - 4.ص273.
 - 5.سوره بقره، آیه 279.
 - 6.سوره توبه، آیه 18.
 - 7.نهج البلاغه، خطبه 156.
 - 8.سوره توبه، آیه 18.
 - 9.سوره جاثیه، آیه 12.
 - 10.سوره نحل، آیه 14.
 - 11.همان.
 - 12.سوره لقمان، آیه 20.
 - 13.سوره ابراهیم، آیه 33.
 - 14.سوره ملك، آیه 15.
 - 15.سوره زخرف، آیه 13.
- تفسیر انسان به انسان، ص203-206